

سوره توحید؛ شناسنامه خداوند در قرآن

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات سوره مبارک توحید(اخلاص) را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند می فرماید: «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، اللهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ بگو او خدای یگناست؛ خدای بی نیاز[همه موجودات هستی که نیازمندو عین فقر هستند.برای رفع نیازشان روی به او کنند و از حضرتش گدایی نمایند.] نژاده و زاییده نشده است و هیچ‌کس[در ذات و صفات] همانند و همتا و شبیه او نیست»

سوره توحید که هر روز در نماز تلاوت می‌کنیم، شامل نکات زیادی است که شاید از آن غافل باشیم و در اینجا چند مورد آن را مرور می‌کنیم:

این سوره که به منزله شناسنامه خداوند است، وقتی نازل شد که برخی از اهل کتاب و مشرکان، از پیامبر^(ص) خواستند خدایش را برای آن‌ها معرفی کند، بنابراین شامل خالص‌ترین عقاید توحیدی است و به همین دلیل، سوره «توحید و اخلاص» نام گرفته است.

سوره توحید خداوند را از داشتن پدر و مادر، فرزند و همسر و نیز شبیه و شریک، پاک و منزّه دانسته، یادآوری می‌کند که خداوند در همه چیز یگناست؛ در ذات و صفات، در علم و قدرت، در حیات و حکمت، در آفرینش و هستی بخشی، اصل کلمه «الله» از «وله» به معنای تحیر است؛ یعنی آفریده‌ها از درک حقیقت او عاجز و در شناخت ذات او واله و متحیرند، چنان‌که حضرت امیرمؤمنان علی^(ع) می‌فرماید: «معنای الله آن است که او معبودی است که آفریده‌ها در او حیرانند؛ زیرا او از درک دیدگان، مستور و از دسترس افکار و عقول، محجوب است.»

مشاوره

چرا زندگی ما مثل بقیه نیست؟

علیرضا وکیل|د دخترم مدام زندگی پلاگرها و افراد ثروتمند را در شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کند. هر روز از خانه، ماشین، لباس و وضعیت مالی ما ایراد می‌گیرد و می‌گوید: «چرا زندگی ما مثل آن‌ها نیست؟ حتی از مهمانی رفتن هم خجالت می‌کشد. احساس می‌کنم آرامش خانه‌مان را از دست داده‌ایم. چه باید کرد؟

پاسخ: یکی از دردهای پنهان خانواده‌های امروز، مقایسه‌ای است که دیگر، در فامیل و همسایه رقم نمی‌خورد، بلکه هر شب از تلفن همراه وارد اتاق فرزندان ما می‌شود. نوجوان امروز قبل از خواب، ده‌ها خانه لوکس، سفر خارجی، لباس گران قیمت و زندگی به‌ظاهر بی‌نقص را می‌بیند، کم‌کم به این نتیجه می‌رسد که «همه خوشبخت‌اند جز ما». این وضعیت «مقایسه اجتماعی» است؛ یعنی فرد، مدام خودش را با کسانی می‌سنجد که امکانات بیشتری دارند. نتیجه این مقایسه معمولاً انگیزه نیست، بلکه احساس کمبود، خجالت و نارضایتی است. اینجا بسپاری از والدین اشتباه می‌کنند، بعضی‌ها می‌گویند: «تو ناسپاسی!» بعضی‌ها گوشی تلفن همراه را می‌گیرند و بعضی هم شروع به نصیحت می‌کنند. درحالی‌که فرزند شما شاید از فقر ناراحت نباشد، او از احساس «کم بودن» رنج می‌برد.



بشت و تیرتیرن‌ها را ببینیم

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَمْدُنَّ عِیْنُکَ اِلٰی مَا تُنَظَّرُ بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (طه/۱۲۷)، یعنی چشم خود را به داشته‌های دیگران خیره نکن. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) نیز می‌فرمایند: «مَنْ نَظَرَ اِلٰی مَنْ فَوْقَہٗ دَامَ حُرْزُہٗ»؛ کسی که همیشه به بالاتر از خود نگاه کند، اندوهِش پایان نمی‌یابد.» بسیاری از زندگی‌هایی که فرزند ما می‌بیند، فقط و تیرتیرن هستند؛ خانه‌های آجاره‌ای، تبلیغات، فیلترهای تصویری و نمایش‌هایی که واقعیت زندگی افراد را نشان نمی‌دهد.

حالا چه‌کار کنیم؟

به جای بحث کردن، از فرزندتان بپرسید دقیقاً کدام بخش این زندگی، تو را ناراحت می‌کند؟ درباره پشت صحنه فضای مجازی با او گفت‌وگو کنید. اجازه بدهید بداند همه آنچه می‌بیند، واقعیت نیست. از شرایط مالی خانواده هم صادقانه حرف بزنید. نوجوان وقتی احساس کند عضوی از تیم خانواده است، کمتر در جایگاه طلبکار می‌ایستد. خاطره‌های مشترک را بیشتر کنید؛ یک پیاده‌روی، یک سفر کوتاه یا حتی یک شام ساده خانوادگی. گاهی بیشتر از یک خرید گران قیمت، احساس رضایت ایجاد می‌کند. فرزندان ما بیش از خانه‌ای لوکس، به خانه‌ای نیاز دارند که در آن احساس ارزشمندی کنند.

آداب زیارت

تمرینی برای زندگی در محضر امام

حسین ابراهیمی| زیارت ائمه اطهار^(ع) در فرهنگ شیعه، فقط یک سفر معنوی یا یک حضور ظاهری درکنار یک مرقد شریف نیست، بلکه ادای حقی است که اهل بیت^(ع) برگردن پیروان خود دارند. امام رضا^(ع) در حدیثی می‌فرمایند: «هریک از امامان برگردن دوستان و شیعیان خود، عهدی دارند و وفای کامل به این عهد، زیارت قبور آنان است و کسانی که با میل و اعتقاد به زیارت ایشان می‌روند، در قیامت از شفاعت آن‌ها، بهره‌مند خواهند شد.»

اما زیارت به حضور در حرم خلاصه نمی‌شود، بلکه ادایی دارد که روح زیارت را شکل می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این آداب، باور به این حقیقت است که امامان معصوم^(ع) زنده‌اند و از زائران خود آگاهی دارند. دران ورود به حرم‌های مطهر نیز به این معنا تصریح شده است که پیامبر^(ص) و جانشینان ایشان نزد خداوند زنده‌اند. جایگاه ما را می‌بینند، سخن ما را می‌شنوند و پاسخ سلام ما را می‌دهند.

وقتی این حقیقت در دل زائر بنشیند، کیفیت زیارت دگرگون می‌شود. زائر خود را در محضر امام می‌بیند و می‌کوشد ادب حضور را رعایت کند. چنین حضوری، انسان را از رفتارهای ناپسند بازمی‌دارد و روح حیا و مراقبت را در زندگی تقویت می‌کند. در این نگاه، زیارت تنها یک لحظه در حرم نیست، بلکه پیوندی دائمی با امام است؛ پیوندی که انسان را در همه لحظات زندگی به یاد نظارت و هدایت امام می‌اندازد.

از همین روست که در روایات، زیارت ائمه^(ع) عامل پاکی از گناهان، معرفی شده است. انسانی که خود را همواره در محضر امام می‌بیند، کمتر به‌سوی لغزش‌ها می‌رود و ارتباط قلبی او با اولیای الهی عمیق‌تر می‌شود.

با این همه، حضور در حرم‌های اهل بیت^(ع)، جایگاهی ویژه دارد. این حضور علاوه بر تقویت ارتباط معنوی با امام، جلوه‌ای از تعظیم شاعر الهی و نشانه‌ای از محبت به خاندان پیامبر^(ص) است؛ همان محبتی که قرآن کریم آن را پاداش رسالت معرفی کرده است.

از این منظر، زیارت تنها یک عمل عبادی کوتاه نیست، بلکه تمرینی برای زندگی در محضر امام و تجدید عهدی دائمی با راه و پیام اهل بیت^(ع) است.

شکر

۴شنبه
۱۲ آذر ۱۴۰۵
۱۲ مهر ۱۳۸۷
شماره ۱۲۷

۱۴



مهر

بررسی تأثیر پذیری شعر صائب تبریزی از کتاب خدا

صائب، زبان شعر را به خدمت قرآن درآورده است

گزارش

آمنه مستقیمي| اگرچه ما صائب تبریزی را بیشتر به تک‌بیت‌های ناب که گاه شکل ضرب‌المثل هم به خود گرفته‌اند، می‌شناسیم اما تأمل و گذری هرچند کوتاه بر اشعار او ثابت می‌کند که وی آنسی عمیق با قرآن داشته و این انس را در اشعار خود به‌زیبایی به نمایش گذاشته است. به‌مناسبت فرارسیدن روز بزرگداشت صائب، با حجت‌الاسلام والمسلمین علی مقدم که این روزها او را با شعر «بزن که خوب می‌زنی» می‌شناسیم(شعری که با صدای مهدی رسولی در حماسه خیابان بر سر زبان‌ها افتاده است)، گفت‌وگو کرده‌ایم.



قرآن: الهام‌بخش شاعران پارسی‌گوی

همه شاعران ما در زبان فارسی به شدت متأثر از قرآن هستند؛ یعنی از رودکی، پدّر شعر فارسی، تا امروز یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین منابع، هم در فرم و هم در محتوای شعر فارسی، قرآن بوده است؛ به‌خصوص در سبک‌های خراسانی و عراقی که بیشتر شاعران آن از بزرگان دین و به علوم دینی مسلط بودند؛ برای مثال حافظ شیرازی خود، حافظ قرآن است و مضامین کتاب خدا در شعر او فراوان دیده می‌شود. حتی تخلص حافظ به دلیل حفظ بودن قرآن است یا در شعر مولوی، بیش از ۲ هزار تضمین قرآنی وجود دارد.

تأثیر قرآن بر فرم و محتوای شعر فارسی

تأثیرگذاری قرآن بر شعر فارسی به صورت‌های مختلف بوده است؛ مثلاً در مکتب خراسانی، بیشتر تأثیر محتوایی داشته است؛ به این معنا که اکثر مضامین، قرآنی است و داستان‌ها ریشه در قرآن دارد اما در شعر مکتب عراقی علاوه بر تأثیر محتوایی، قرآن اثر فرمی نیز بر شعر فارسی می‌گذارد؛ برای مثال حافظ توانسته است متد و روش قرآن را در بیان معارف نیز فرابگیرد. به‌عبارت دیگر، خداوند در قرآن، کلمات را به‌گونه‌ای چیده است که می‌توان چندین معنای صادق و درست از متن برداشت کرد. حافظ نیز سعی کرده است در شعر خود به یک زبان تأویل‌بردار چندلایه دارای معانی طولی برسد.

مضامین قرآنی در شعر صائب پرتکرار است

یکی از شاعران و نمایندگان مهم مکتب هندی، صائب تبریزی است. این مکتب، شاخصه‌های لفظی و معنایی خاص خود را دارد. ما در دوره مکتب هندی، تضمینات(اقتباس) قرآنی کمتر داریم؛ چون برخلاف سبک‌های عراقی و خراسانی که شاعران خودشان از اندیشمندان علوم دینی بودند، شاعران مکتب هندی از اصناف مختلف، پای به میدان شعر گذاشتند. دربین شاعران مکتب هندی، صائب تبریزی و بیدل استثنا هستند. صائب تضمینات قرآنی فراوان، چه در قالب تضمین، چه تلمیح و چه استفاده از مضمون قرآنی دارد؛ یعنی گاهی اوقات معنا و محتوای یک آیه قرآن را در شعر آورده و با وجود آنکه لفظ را نیاورده است، مضامین قرآنی در شعر او بسامد بالایی دارد.

باید از مصداحه به مطلوب صائب، جلوگیری کنیم

کثرت اشعار صائب تبریزی که بالغ بر ۷۰ هزار بیت می‌شود، سبب غفلت از ابیات خوب او شده است؛ یکی همین مضامین قرآنی شعر صائب است که تاکنون کار نشده‌اند. اهمیت صحبت از مضامین قرآنی در شعر صائب، این است که برخی شاعران بزرگ ما توسط جریانِ، مصداحه به مطلوب می‌شوند و از آن‌ها یک چهره بی‌ارتباط با معارف دینی و تمدن اسلامی معرفی می‌کنند؛ همانند کاری که عده‌ای با حافظ انجام می‌دادند و می‌خواستند از وی یک چهره غیراسلامی در جامعه بسازند. وقتی این امر را ثابت کنیم که خیلی از اشعار صائب مضامین قرآنی‌اند، دیگر کسی نمی‌تواند شخصیت وی را تخریب کند و او را یک شاعر بی‌ارتباط با معارف دینی به جامعه معرفی کند. دلیل دوم این کار، دسترسی راحت‌تر مردم به این ابیات صائب است؛ چون این ابیات به‌نوعی ترجمه ادبی از آیات قرآن می‌تواند باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی مقدم؛ خداوند در قرآن کلمات را به‌گونه‌ای چیده است که می‌توان چندین معنای صادق و درست از متن برداشت کرد

هنرمندانه از مضامین قرآن، استفاده کرده است

آنچه کار صائب را از برخی شاعران دیگر متمایز می‌کند، استفاده هنرمندانه از مضامین قرآنی است؛ یعنی در عین اینکه معنا و مفهوم را از قرآن گرفته، از لطایف و زیبایی شعری در آثار وی، کم نشده است؛ مثلاً در سوره ابراهیم آمده است آیا در خدا که آفریننده آسمان و زمین است، شکی است؟ صائب تبریزی از همین مضمون در شعر خود استفاده می‌کند و می‌گوید: نیست در یگنگی حق هیچ‌کس را اشتباه * در نماز وتر، ممکن نیست شک داخل شود از آنجا که نماز و تر یک نماز یک‌رگعتی است. در آن شک معنا ندارد و صائب استدلال آورده است که در مسئله وحدت، شک معنا ندارد.

نمونه دیگر اینکه خداوند متعال در سوره انبیاء می‌فرماید: «اگر در آسمان و زمین معبودانی چون خدا می‌بود، بی‌تردید آسمان و زمین، نابود و تباه می‌شدند.» صائب این مفهوم قرآنی را چنین به زبان شعر درآورده است:

از دو فرمانده نگردد نظم عالم منتظم * شاهد وحدت بود بس عالم آرایی تو را

توصیه‌های قرآن را به زبان شعر درآورده است

خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.» صائب همین را در شعر خود آورده است و می‌گوید:

فراموشی به فراموشی تو می‌خیزد * اگر تو یاد کنی، یاد می‌کنیم تو را

مصرع دوم این آیه دقیقاً مضمون آیه فوق است؛ ضمن اینکه مصرع اول نیز اشاره به آیه‌ای از سوره حشر دارد. همچنین خداوند در آیه دیگری از سوره بقره می‌فرماید، «مشرق و مغرب مال خداست و به هر طرف که رو کنید، به‌سوی خدا رو آورده‌اید.» صائب تبریزی به‌زیبایی مفهوم این آیه را در شعر خود آورده است و می‌گوید:

آمد از فیضی عشق به در آت کائنات * حاشا که آفتاب کند رو به یک طرف

سپس ادامه می‌دهد:

باشش جهت توجه آن بی‌جهت یکی است * ببچاره رهروی که کند رو به یک طرف

بیان تشبیهات قرآن به زبان شعر

در آیه‌ای از سوره حجرات، خداوند غیبت را به خوردن گوشت برادر مؤمن تشبیه می‌کند. از این مضمون در اشعار صائب، بسیار استفاده شده است؛ مثلاً در جایی می‌گوید:

بود غیبت خلق، مردار خواری * بپرداز از این لقمه، کام و زبان را

یا درباره وعده وسعت رزق که خداوند در قرآن به بندگان می‌دهد، می‌گوید:

تنگدستی، راست سازد نفس کج رفتار را * پیچ‌وتاب از وسعت ره، می‌فزاید مار را

یعنی خود این تنگدستی‌ها گاهی اوقات لازم است تانفس ما راست شود. یادرباره آیه سوره الرحمن که می‌فرماید: «روز قیامت گناهکاران از چهره‌های خود شناخته می‌شوند.» آورده است، «شاهد از خارج نمی‌یابد خیانت‌پیشه را، دزد از تغییر رنگ خویش رسوا می‌شود.»

شعر صائب، مملو از مضامین قرآنی است

در جای دیگری نیز صائب به حرکت همه موجودات هستی اشاره می‌کند و می‌گوید:

همه از درد طلب، نعل بر آتش دارند * کوه چون ریگ روان پا به رکاب است اینجا

یا درباره این فرمایش قرآن که سخن خوب به سمت خدا بالا می‌رود و سخن پاک و کردار نیک،

آن سخن را بالا می‌برد، می‌گوید:

یک گفتار ز کردار به معراج بر آید * از دست گشاده است پروبال دعا را

مثال هابسیار زیاد است، ان‌شاء الله خداوند توفیق دهد تا همه غزلیات صائب را بررسی و مضامین قرآنی آن را استخراج کنیم!

وقتی دلت برای خانه تنگ می‌شود

بهتر از خدا که رنگ او را به ما بدهد؟» پیامبر اکرم^(ص) نیز دقیقاً همین نکته را می‌فرمایند که؛ «به اخلاق و صفات خدا آراسته شوید.»

هر بار که ما ویژگی‌های مثبت را در خودمان پرورش می‌دهیم، درواقع داریم به‌اصل خودمان نزدیک‌می‌شویم و همین جاست که آن حس تنهایی و بی‌قراری همیشگی، شروع به کم شدن می‌کند. وقتی به اصل خودمان نزدیک می‌شویم، دیگر احساس نمی‌کنیم در این دنیا رها شده‌ایم.

فکر کنید به بچه‌ای که گم شده است؛ چقدر دلشوره دارد و فقط منتظر است تا دوباره پدر یا مادرش را پیدا کند. به محض اینکه آن‌ها را پیدا کند، تمام دنیا برایش آرام می‌شود. ما هم در این دنیا، گاهی مثل همان کودک گم‌شده هستیم، اما وقتی در مسیر رشد و شباهت به



آمنه مستقیمي
طبله و تار هفتاس (رشد علوم قرآن و حدیث)

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که با کسی حرف بزنید و حس کنید چقدر به او شبیه هستید. انگار که افکارتان، نگاهتان به زندگی و حتی مدل حرف زدن‌تان یکی است. همین حس شباهت، باعث می‌شود ساعت‌ها کنار هم بنشینید و بدون خستگی حرف بزنید. چقدر این همدلی و هم‌زبانی زیباست!

خب، حالا بیایید ببینیم این ارتباطی با رابطه ما با خدا دارد یا خیر؟ خدا مسیرهایی را به ما نشان داده است تا درواقع، شبیه او شویم. وقتی ما ویژگی‌های مثبت و الهی را در خودمان می‌ریزیم – مثلاً مهربانی، گذشت، صداقت و دانش – درواقع داریم به آن «رنگ خدایی» نزدیک می‌شویم؛ همان چیزی که قرآن از آن یاد می‌کند: «صِبْغَةُ اللهِ وَهِيَ أَحْسَنُ مِنْ اللهِ صِبْغِهِ». یعنی رنگ و صبغه الهی؛ «و کیست در کجا قرار دارد و به‌سوی کجا می‌رود»!